

همدان، از نهضت ملی تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲

○ ابوالفتح مؤمن

۹۵

اشاره

پرسش بنیادین این مقاله آن است که احزاب، سازمانها و جمعیت‌های طرفدار جبهه ملی در همدان چگونه شکل گرفته، چه نقشی را ایفا نموده‌اند؟ رهبران محلی این تشکیلات چه کسانی بوده‌اند؟ میزان نقش هر یک از ائتلاف مختلف جامعه اعم از بازاری و روحانی و فرهنگی و کشاورز و... در این وقایع چه بوده است؟ در نهایت این نهضت چه روندی را در همدان طی کرده و بعد از کودتای ۲۸ مرداد، سرنوشت رهبران آن سازمانها و جمعیت‌های طرفدار جبهه ملی به کجا انجامید؟

شکل‌گیری احزاب و سازمانها و جمعیت‌های طرفدار جبهه ملی

هسته اولیه جبهه ملی در مهرماه ۱۳۲۸، هنگامی شکل گرفت که دکتر محمد مصدق به همراه گروهی از سیاسیون، اصناف و دانشجویان برای اعتراض به نبود آزادی در انتخابات به دربار رفت. آنها کمیته‌ای به ریاست دکتر مصدق برای مذاکره با وزیر دربار - عبدالحسین هژیر - انتخاب کردند و در پایان با گرفتن قولی مبنی بر پایان دادن بر بی‌قانونی در انتخابات، آنجا را ترک کردند.^۱ این گروه پس از آن در منزل دکتر مصدق گرد هم آمدند و تصمیم گرفتند ائتلاف بزرگی بنام «جبهه ملی» به وجود آورند. این جبهه به ریاست دکتر مصدق در ماههای بعد

توانست حمایت چهار حزب «ایران»، «زحمتکشان»، «ملت ایران» و «جامعه مجاهدان اسلام» (مجمع مسلمانان) را به دست آورد.

در انتخابات دوره شانزدهم مجلس شورای ملی (بهمن ماه ۱۳۲۸)، جبهه ملی علی‌رغم ائتلافهای گسترده و چتر وسیعی که بر سر نیروهای سیاسی داخل ایران گسترده بود نتوانست بیش از هشت نماینده به مجلس بفرستد؛ جمعی که هر چند در برابر تعداد ۱۳۰ نفره نمایندگان مجلس شورای ملی ناچیز می‌نمود، اما همچنان که حوادث ماههای بعد نشان داد، با پشتیبانی افکار عمومی، توانستند بسیاری از امور مجلس را به دست گیرند. عمده‌ترین مشغله اعضای جبهه ملی در مجلس، بهبود اوضاع داخلی کشور بود. اما از خرداد ۱۳۲۹ به بعد که حکومت پیشنهادهایی برای تجدیدنظر در قرارداد ۱۳۱۲ ش/ ۱۹۲۳ م نفت بین ایران و انگلیس تقدیم مجلس کرد، آنها نیز موضوع ملی کردن نفت را سرلوحه برنامه‌های خود قرار دادند. رجب‌علی منصور نخست‌وزیر وقت در این وضعیت مجبور به استعفا شد و بدین ترتیب راه برای به قدرت رسیدن سپهبد حاجی علی رزم‌آرا، رئیس ستاد کل ارتش باز شد. او تصمیم داشت به هر قیمتی پیشنهادهای حکومت را از تصویب مجلس بگذارند. اما او جانش را بر سر این موضوع گذاشت. روز ۱۶ اسفند ۱۳۲۹، سپهبد رزم‌آرا، نخست‌وزیر وقت، که در مراسم ختم آیت‌الله فیض در مسجد شاه شرکت کرده بود، توسط خلیل طهماسبی، عضو جمعیت فدائیان اسلام، هدف سه گلوله قرار گرفت و کشته شد. پیش از این، آیت‌الله کاشانی در مصاحبه با خبرنگاران خارجی، قتل رزم‌آرا را واجب اعلام کرده بود.^۲ قنات آبادی در این مورد می‌گوید: «... قطع نظر از فتوای آقای آقاي کاشانی که رزم‌آرا را مفسد فی الارض می‌دانست و او را مهدورالدم می‌شناخت.»^۳ بدین ترتیب رزم‌آرا از صحنه حذف شد. بعد از ترور رزم‌آراء، حسین علاء مأمور تشکیل کابینه موقت شد. در این زمان جبهه ملی به اوج اقتدار خود نزدیک می‌شد. زیرا علاء مجبور شد بیشتر وزرایش را با مشورت مصدق تعیین کند. علاوه بر این به آیت‌الله کاشانی که بارها حمایت خود را از جبهه ملی نشان داده بود و اکنون در لبنان به حالت تبعید به سر می‌برد، اجازه ورود به کشور داد. پس از آن اعضای جبهه ملی نیز پیشنهادی را مطرح کردند که پیش‌تر در جلسه ۱۵ آبان شورای عالی جبهه ملی توسط دکتر حسین فاطمی پیشنهاد و تصویب نشده بود:

«به نام سعادت ملت ایران و به منظور کمک به تأمین صلح جهانی، امضاکنندگان ذیل پیشنهاد می‌نماییم که صنعت نفت ایران در تمام مناطق کشور بدون استثناء ملی اعلام شود، یعنی تمام عملیات اکتشاف، استخراج و بهره‌برداری در دست دولت قرار گیرد.»^۴

دکتر حسین فاطمی در این مورد می‌نویسد: «گفتند پس چه باید کرد، گفتم به نظر من چاره جز «ملی» کردن نفت نیست.»^۵ پس از مطرح شدن این موضوع و پی‌گیری آن از سوی دکتر

همدان، از نهضت ملی تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲

مصدق در مجلس، علاء، نخست وزیر وقت، هیچ عکس العملی از خود نشان نداد. سرانجام او نیز راهی جز کناره گیری نداشت و بلافاصله بعد از او دکتر مصدق از جانب مجلس شورای ملی به نخست وزیری ایران (۱۷ اردیبهشت ۱۳۳۰) انتخاب شد.^۶ از آن پس قدرت جبهه ملی دو چندان شد زیرا توانسته بود هواداران زیادی را با خود همراه سازد. به همین خاطر در بسیاری از شهرستانهای ایران نیز شعباتی دایر کرد. یکی از این شعبات نیز در ۱۴ خرداد ۱۳۳۰ در همدان دایر شد. قبل از افتتاح و انتخاب هیئت مدیره موقت، از سوی جمعیت طرفداران جبهه ملی، که مرکب از نمایندگان بازاریان، هیئتهای حسینه ها و برخی طبقات دیگر بود در اعلامیه ای از مردم خواسته شد که در روز ۱۴ خرداد در میدان بزرگ شهر (امام خمینی کنونی) اجتماع کنند.^۷ در این اجتماع علی پوینده، شیخ عبدالعلی باقیان (یکی از وعاظ طرفدار جبهه ملی در همدان) و هادی شهبابی از طرف جمعیت سخن رانی کردند و سپس هیئت مدیره موقت به شرح ذیل تعیین شد: ۱- محمد اسماعیل زده (مدیر) ۲- محمد ستاری و اکبر خرم (معاون) ۳- محمد پرویزی، مدیر روزنامه ناطق و محمود ارشدی سمسار (منشی). در پایان مراسم پیام آیت الله نصرالله موسوی بنی صدر همدانی مبنی بر حمایت از دولت دکتر مصدق برای جمعیت قرائت شد، که اعتماد و اطمینان هر چه بیشتر مردم را موجب شد.^۸

۹۷

روزنامه ناطق به مدیریت محمد پرویزی، ارگان طرفداران جبهه ملی، نامه تاریخ به مدیریت سید کاظم حسینی داور و نشریه بازار به مدیریت علی پوینده، رهبر سازمان جوانان بازار همدان نیز به حمایت از دولت ملی پرداخته، موجبات آگاهی و جذب هر چه بیشتر مردم را فراهم کردند.

به دنبال حضور کشتیهای نظامی انگلیس در خلیج فارس و جلوگیری آنان از صدور نفت ایران، جمعیت طرفداران جبهه ملی همدان با صدور اعلامیه ای اعلام کرد: «استعمار منفور شاید هنوز امیدوار باشد عناصری از این ملت ستم دیده را به وادی ننگ و خیانت بکشاند و از این رو توپ و تانک و کشتی و مهمات در مرزهای ایران تمرکز داده... او باید به طور قطع و یقین بداند اولین تیری که از دهانه توپ و تفنگ تجاوزگرانه وی به روی سرزمین مقدس ایران خالی شود، اولین تیر پاسخ آن به سینه دست پروردگان احتمالی خائن او خالی خواهد شد و پس از تصفیه فوری خاک وطن از عناصر ناپاک، سرنوشت میدانهای نبرد را ایمان و فداکاری جوانان و پیران، مردان و زنان ایران معین خواهد کرد.»^۹

در مراسم جشن سالروز انقلاب مشروطیت، احمد عرب زاده، حمایت گسترده مردم از آیت الله کاشانی و دکتر مصدق را اعلام کرد^{۱۰} و علی پوینده نیز در این باره شعری خواند. با اوج گیری فعالیت سیاسی مردم همدان، احزاب حامی دولت در صدد تأسیس دفاتر نمایندگی

در همدان برآمدند. بر همین اساس شعبه حزب زحمتکشان همدان در ۲ شهریور ۱۳۳۰ توسط طهوری در بازار همدان تأسیس شد، او در مغازه خود دفتری برای نام نویسی افراد قرار داد. بیداریان نیز به نمایندگی از طرف دکتر مظفر بقایی، رهبر حزب زحمتکشان به همدان آمد و در سالن مهمانخانه نادر، در حضور شصت نفر از اهالی همدان، راجع به مرام و مسلک حزب و پشتیبانی از دولت دکتر مصدق سخن گفت.^{۱۱}

در ۳۱ آذر ماه مردم با تعطیلی بازار و راهپیمایی گسترده، یک بار دیگر از دولت دکتر مصدق و آیت الله کاشانی حمایت کرده مخالفت نمایندگان اقلیت با دولت را محکوم کردند. همچنین راهپیمایی عده ای از مخالفین دولت و عوامل نفوذی بیگانه در ۲۳ تیر ماه همدان نیز محکوم شد و نسبت به عواقب آن هشدار داده، از دولت خواهان پی گیری موضوع شدند و شخصی به نام «رابرت سیمون» از مسیحیان همدان و طرفدار انگلیس، که تحت عنوان نمایندگی فرش در همدان فعالیت داشت، مسبب این تظاهرات و جاسوس انگلیس معرفی شد، چرا که او برای نفوذ هر چه بیشتر در شهر با خواهر یکی از مالکین عمده به نام اسمعیل میرزا ملک منصور ازدواج کرده بود و دو نفر از همکاران یهودی او به نامهای مناسو و شامو در بازار همدان، مردم را به نفع سیاستهای انگلیس به شورش و اغتشاش تحریک می کردند. از این رو مردم خواهان اخراج آنان از همدان شدند.^{۱۲} دولت نیز سیمون را از این شهر اخراج کرد.



آیت الله آخوند ملا علی معصومی از مراجع تقلید، مدرس و رئیس حوزه علمیه همدان، موسس کتابخانه بزرگ غرب

انتخابات دوره هفدهم مجلس شورای ملی

با آغاز انتخابات دوره هفدهم مجلس، روحانیون و نیروهای فعال سیاسی در همدان به دلیل حساس بودن موضوع، سعی در انتخاب افراد حامی دولت و پشتیبان مردم برای نمایندگی دوره هفدهم مجلس داشتند، از همین رو، روحانیون همدان از جمله آیت الله آخوند ملا علی معصومی همدانی، اسدالله حجت، علی حسینی، اسدالله غروی، علی شمس حائری و جعفر تقوی الرضوی با صدور اعلامیه ای به هدایت و روشنگری افکار عمومی پرداختند:

در این دوره هفدهم مجلس شورای ملی که مهم ترین و حساس ترین دوره های مجلس شورا است و حفظ استقلال مملکت و دیانت اسلام و نوامیس الهیه

همدان، از نهضت ملی تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲

مربوط و منوط به صالح بودن نمایندگان این دوره است. لذا بر هر فردی از افراد مسلمین واجب و لازم است که سعی بلیغ در انتخابات نماینده خودشان بنمایند که شخص متدین و علاقه مند به وطن و دیانت به مجلس شورای ملی اعزام گردد.^{۱۳}

با اوج گیری فعالیتهای انتخاباتی در همدان، آیت الله کاشانی در تلگرافی به تاریخ ۲۹ دیماه ۱۳۳۰ به آیت الله بنی صدر^{۱۴} و حاج شیخ علی شمس حائری^{۱۵} در خصوص آزادی و اهمیت این دوره نوشت:

«لازم است به منظور استفاده از حق مسلم انتخابات آزاد که در سایه مجاهدات و فداکاریها به دست آمده آقایان علما اهالی را در جلسه ای مجتمع و با کمال بی طرفی کسانی را که حائز شرایط لازمه نمایندگی و مورد علاقه متدینین باشند در نظر گرفته و مساعی خود را در این مورد به کار برید. اینجانب مطلقاً نظر خاصی به فرد معین نداشته ولی کمال علاقه را دارم که علاقه مند به اصول دیانت و استقلال کشور به مجلس روند، زیرا در مجلس هفدهم سرنوشت کشور باید تعیین شود و به منظور کمک فکری و ارشاد اهالی ثقة الاسلام آقای اسلامی واعظ شهیر عازم همدان خواهند شد.»^{۱۶}

۹۹

حاج شیخ عباسعلی اسلامی،^{۱۷} نماینده ویژه آیت الله کاشانی روز اول بهمن ۱۳۳۰ در میان استقبال پرشکوه مردم وارد همدان شد^{۱۸} و روز بعد با عده زیادی از علما، اعیان، مالکین، تجار و کسبه دیدار کرد. جمعی از مردم که گفته می شد از سوی آیت الله بنی صدر آمده^{۱۹} بودند، به مجادله با اسلامی پرداختند، این گروه که توسط احمد زهره و حاجی محمد مهدی مقدس، رهبری می شدند به محض ورود شروع به اغتشاش و هتاکی نموده و از وی علت ورودش را به همدان جویا شدند.

اسلامی نیز با اشاره به مأموریتش از جانب آیت الله کاشانی، تأکید کرد که هیچ قصدی برای معرفی نامزد مشخصی ندارد و آقای کاشانی توصیه کرده است که روحانیون و اهالی، دو نفر را بدین منظور معرفی کنند و هرگونه اختلاف به نفع دشمن است. اما محمد مهدی مقدس اعلام می دارد که ما ضیاءالملک قراگزلو و مخبر فرهمندی را انتخاب کرده ایم. اعلام این مطلب منجر به بروز درگیری میان دو گروه شد تا جایی که اسلامی را جاسوس، مزدور و جنایتکار انگلیسی معرفی کردند.^{۲۰}

اسلامی برای آرام کردن مردم و پایان دادن به مناقشات، راهی تلگراف خانه شد و از آیت الله کاشانی کسب تکلیف کرد. آیت الله کاشانی نیز وی را به تهران فراخواند. شیخ عباسعلی اسلامی روز سوم بهمن از منزل آیت الله آخوند ملاعلی معصومی همدانی راهی تهران شد.^{۲۱} ضیاءالملک قراگزلو و مخبر فرهمند از جمله همان گروهی بودند که در مقابل نهضت ملی

مصلحت‌مطالعات تاریخی

مقاومت کرده، خواهان حفظ امتیازات طبقاتی و اشرافی خود بودند. در مقابل این حرکت، عامه مردم همدان از کاندیداتوری تقی برزین و حسین یوسفی حمایت می‌کردند.^{۲۲} در همین زمان سازمان جوانان بازار همدان مردم را برای شرکت در انتخابات دعوت کرد. در اعلامیه آنان خطاب به مردم آمده بود که:

در یک اجتماع مترقی و در جامعه‌ای که به خود حق زندگی می‌دهد باید تمام افراد به تناسب قوه و قدرتشان در راه پیشرفت سعادت اجتماع تشریک مساعی و فعالیت کنند. همچنین در مواقع خطیر و بحرانی باید تمام منافع ملی در راه تقویت اجتماع و دفاع از هرگونه خطری بسیج شود. دیگر آن ایامی که اکثریت ملت در مکتب انزوا درس گوشه‌گیری می‌آموختند پشت سرگذاشته شده است... از نماینده مجلس آن ساخته است که از دولت خوب و مورد اعتماد تقویت و پشتیبانی نماید.^{۲۳}

با اوج‌گیری مبارزات انتخاباتی و تلاش کاندیداها برای پیروزی و انتساب خود به دولت ملی و آیت‌الله کاشانی، روز ۸ بهمن ۱۳۳۰ هیئتی مرکب از عبدالله حاجیلو از طرف روزنامه نگاران، محمود طهوری از طرف جوانان همدان، حجت‌الاسلام حاجی میرزا علی اصغر شفیعی از طرف روحانیون برای ملاقات و کسب تکلیف از آیت‌الله کاشانی رهسپار تهران شدند. آنان روز ۹ بهمن با کاشانی ملاقات کردند. در این دیدار نظر آیت‌الله کاشانی درباره کاندیداتوری قراقرلو و فرهمند را جویا شدند. پیش‌تر در همدان شایعه حمایت کاشانی از آنان فراگیر شده بود. آیت‌الله کاشانی کتباً اعلام کرد: «اینجانب جز آزادی انتخابات منظوری ندارم. کسی هم کاندیدم در همدان نیست.»^{۲۴}

طرفداران جبهه ملی همدان نیز مخالفت خود را با ضیاءالملک و مخبر فرهمند اعلام داشتند، از جمله علی پوینده، رئیس سازمان جوانان بازار، در سخنانی اظهار داشت، ما باید از این به بعد به وکالت وکلایی که تا به حال به اتکاء آراء دهات وکیل شده، خاتمه دهیم. سخنان پوینده اشاره‌ای بود به ضیاءالملک. بکناشی نیز در این میتینگ تبلیغاتی اضافه نمود وکلایی که تا به حال با سرنوشت ما بازی می‌کردند، خائن و وطن‌فروش بوده‌اند. جناب دکتر مصدق در شورای امنیت، تحمیلی بودن آنان را به دنیا ثابت کرد، سخنان او به دوره وکالت مخبر فرهمند در دوره نهم مجلس شورای ملی اشاره داشت.^{۲۵}

انتخابات همدان به دلیل ناهماهنگی انجمن نظارت و تعلق آنان در برگزاری و به تعویق انداختن زمان آن و همچنین توطئه عده‌ای که آن را به نفع خود نمی‌دانستند از یک طرف و اقدامات غیرقانونی گسترده در جریان انتخابات کل کشور از سوی دیگر، دکتر مصدق را بر آن داشت که با حمایت ۸۱ نماینده انتخاب شده، ادامه انتخابات را برای مدت نامحدودی به تعویق

همدان، از نهضت ملی تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲

اندازد،^{۲۶} این مجلس تا تابستان ۱۳۳۲ ش به کار خود ادامه داد و با برگزاری رفراندوم منحل شد.^{۲۷}

با مطرح شدن رأی اعتماد نمایندگان مجلس به دولت مصدق، مردم همدان، در ۱۵ تیرماه در تلگراف خانه شهر تحصن کردند و با ارسال تلگرافی، خواهان رأی اعتماد نمایندگان به دولت شدند، دکتر مصدق ضمن تشکر از احساسات پرشور مردم همدان با مخابره تلگرافی به متحصنین، از آنان خواست به تحصن خود پایان دهند:

با اینکه دیروز تمنا کرده بودم به تحصن خاتمه دهید احساسات خود را به عرض می‌رسانیدم، نظر به اینکه عده کافی برای گرفتن رأی اعتماد نبود اینجانب تصمیم خود را که در صلاح مملکت گرفته‌ام اجرا می‌کنم. که در خاتمه از شما درخواست دارم که به تحصن خاتمه دهید و از خداوند توفیق خدمت را برای هم وطنان عزیز مسئلت دارم.^{۲۸}

دکتر مصدق علی‌رغم اخذ رأی اعتماد از مجلس، برای در اختیار گرفتن وزارت جنگ با محمدرضا شاه اختلاف داشت، چون شاه حاضر به دادن این امتیاز نبود، دکتر مصدق در ۲۵ تیرماه ۱۳۳۱ از نخست‌وزیری استعفاء کرد و بلافاصله طرفداران دربار و انگلیس، قوام‌السلطنه را به نخست‌وزیری انتخاب کردند.

حرکت کفن پوشان همدان به سوی تهران

با انتخاب قوام به نخست‌وزیری، تمام وسایل مخابراتی و ارتباطی با شهرستانها قطع گردید، ولی نمایندگان طرفدار دکتر مصدق که در حوضخانه مجلس متحصن بودند، مردم شهرستانها را در جریان امور گذاشتند. مردم همدان نیز با اطلاع از موضوع، بعد از ظهر روز پنجشنبه ۲۶ تیرماه با تعطیلی بازار و مغازه‌ها به تظاهرات علیه قوام و حمایت از دکتر مصدق پرداختند و در تلگراف خانه متحصن شدند. آنان روز شنبه ۲۸ تیرماه در منزل آیت‌الله آخوند ملاعلی همدانی اجتماع کردند، سپس در معیت وی و سایر روحانیون شهر به مسجد کولانج رفتند و به دستور آیت‌الله آخوند، تلگرافی در حمایت از دکتر مصدق تنظیم و به امضای وی و عده کثیری از روحانیون، تجار و اصناف به قم مخابره کردند:

حضرت آیت‌الله العظمی آقای حاج آقا حسین بروجردی

ما اهالی همدان از طبقات روحانیون و بازرگان و اصناف قاطبه ملت در اثر کناره‌گیری جناب آقای دکتر مصدق تعطیل عمومی نموده و در تلگراف خانه متحصن هستیم. محترماً از حضرت آیت‌الله که پیشوای روحانی عموم مسلمین می‌باشد تقاضا داریم که در پیشگاه اعلی حضرت همایونی بخواهند به احساسات عمومی احترام گذاشته، دست خائنین را از سر ملت ستمدیده

مجموعه مطالعات تاریخی

کوتاه و دکتر مصدق را که قلوب همگانی متوجه جناب ایشان است منصوب به زمامداری فرمایند.^{۲۹}

آیت الله شیخ محمدعلی دامغانی نیز با تعطیل کردن مدرسه علمیه دامغانی به همراه طلاب و شیخ علی زنجانی «امن یجیب...» گویان به تلگراف خانه آمدند و به سخن رانی شیخ محمدجواد صالحی مبنی بر حمایت از مصدق گوش فرا دادند.^{۳۰} علاوه بر روحانیون، محصلین و فرهنگیان نیز در این اجتماع حضوری چشمگیر داشتند^{۳۱} از افراد سرشناس در این اجتماع می توان به محمد ستاری، غلامرضا وزیری، سیدکاظم حسینی داور،^{۳۲} حاج تقی ساعتیان، علی اصغر فخار، میرزا محمد فخار،^{۳۳} علی پوینده، محمد پرویز و حسن اقبالی اشاره کرد.

اهالی همدان که در تلگراف خانه متحصن شده بودند، یک بار دیگر طی تلگرافی تنفر خود را از دولت قوام اعلام داشتند:

نخست وزیری قوام السلطنه همچون خنجری است که بر قلب ملت ایران زده شده. ما اهالی همدان از عموم طبقات روحانیون، تجار، اصناف، اتحادیه‌های [دهقان زارع، پیشه‌ور از زن و مرد پنج روز است در تلگراف خانه متحصن و مانند سایر هم وطنان خود تا عزل قوام السلطنه و ابقاً دکتر مصدق به نخست وزیری در اعتصاب و تحصن باقی خواهیم بود. از پیشگاه اعلی حضرت همایونی استدعا داریم به افکار عمومی بیست میلیون مردم ایران توجه عاجل فرمایند.^{۳۴}

ذیل این تلگراف را از طرف روحانیون اسدالله حجت، از طرف و عاظم محمدجواد صالحی، بازرگانان احمد، صرافان و اصناف حاجی لطف الله، دهقان و زارع علی گلریان، اتحادیه‌ها علی پوینده و از سوی حسینی‌ها محمد ستاری، مهر و امضا کرده بودند.

عده کثیری از جوانان همدانی با توجه به فرمان آیت الله کاشانی و تحت تأثیر سخن رانیهای سران نهضت ملی همدان چون ستاری، وزیری، پوینده و در رأس آنها سیدکاظم حسینی داور، کفن پوشیده، آماده جانبازی و فداکاری در راه وطن شدند. حسین داور برای کفن پوشان عازم تهران در خیابان شورین سخن رانی می کرد و جمعیت نیز با شعار «با خون خود نوشتیم یا مرگ یا مصدق» سر می دادند، که کفن پوشان کرمانشاهی عازم تهران، وارد همدان شدند و در میدان پهلوی (امام خمینی کنونی) از سوی مردم مورد استقبال گرم قرار گرفتند و با ذبح گوسفند مقدمشان را گرامی داشتند.^{۳۵} کفن پوشان کرمانشاه پس از اندکی توقف به همراه کفن پوشان همدانی عازم تهران شدند. هم زمان با حرکت کفن پوشان، از وزارت کشور به احمد جهانسوز، فرماندار همدان و ژاندارمری دستور داده شد که از حرکت کفن پوشان به سوی تهران جداً

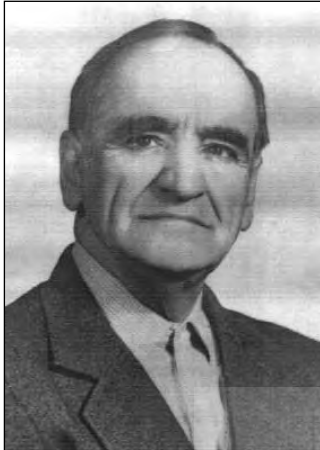


تظاهرات مردم همدان در میدان شاه (امام کنونی) در حمایت از نهضت ملی

جلوگیری شود. بر این اساس ژاندارمری ۳۵ نفر از کفن پوشان را در بین راه تهران دستگیر و تحویل شهربانی همدان داد. اما علی رغم دستور مقامات بالا و اقدامات انجام شده، احمد جهانسوز با مسئولیت خود به ژاندارمری و سایر ادارات همدان دستور داد که بدون توجه به خواسته مرکز، کسی مزاحم رفتن کفن پوشان نگردد و دستگیرشدگان نیز با مسئولیت وی آزاد شدند.^{۳۶}

کفن پوشان به محض ورود به قزوین باعث هیجان شدید مردم این شهر شدند و قزوین نیز یک پارچه ملتهب شد.^{۳۷} کفن پوشان سپس با منزل آیت الله کاشانی تماس گرفته، او را در جریان مهاجرت خود گذاشتند. آیت الله کاشانی در جواب آنان اظهار داشت: «خیلی با احتیاط حرکت کنید.» در حالی که کاروان مذکور از قزوین عازم تهران بود، قوام السلطنه، نخست وزیر وقت در تلگراف شدیداللحنی به استانداران و فرمانداران، خواهان سرکوب مردم شد. بر همین اساس به سرلشکر وثوق، رئیس ژاندارمری، دستور داد تا مانع از ورود کفن پوشان کرمانشاه و همدان به تهران شود.

با ورود کفن پوشان به کاروانسرا سنگی (کرج)، یک گروهان ژاندارم مانع از حرکت آنان



سید کاظم حسینی داور

شده آنها را در قهوه خانه کاروانسرا سنگی محاصره نمودند و به ضرب و شتم آنان پرداختند و حتی به قهوه چپی دستور داده شد که به آنان چای و غذا ندهد. در همین زمان آیت الله کاشانی در مصاحبه ای در خصوص حرکت کفن پوشان به سوی تهران و برخورد شدید دولت و مأمورین با آنها اظهار داشت: «از دولت جنایتکار و زدهایی که اطراف قوام هستند اگر بیش از این بکنند باعث تعجب نیست ولی این جنایات تا فردا یا پس فردا بیشتر ادامه نخواهد داشت.»

سرهنگ بدیع پور و سرگرد برهمن که کفن پوشان را در محاصره داشتند به آنان گفتند: «اجازه ورود دارید به شرط آنکه حاضران، کفن‌ها را تسلیم افراد نظامی کنند.» کفن پوشان نپذیرفتند و از دویست نفری که در طول مسیر به کاروان

پیوسته بودند، هیچ کدام کفن‌ها را تحویل نداده اظهار داشتند که آنها را به آب انداخته اند. چند نفر از کفن پوشان همدان در اتوبوس کرمانشاهیها نشستند و در مقابل، از کفن پوشان کرمانشاه نیز حاج غلامعلی عقیقی و آقا سیدصادق و رکن الدین حجتی برای برهم زدن نقشه سرهنگ بدیع پور، بر اتومبیل همدانیها سوار شدند. کاروان آماده حرکت شد که ناگهان چند نفر وارد اتوبوسها شده، سعی کردند که آنها را به سوی قزوین برگردانند، که درگیری شد و بسیاری از کفن پوشان با شکستن شیشه های اتوبوس، خود را به بیرون انداختند و تعدادی نیز مجروح شدند.^{۳۸} اما با تمام این مشکلات نمایندگان کاروان، سیدکاظم حسینی داور، سیدحسن حجتخواه و حاج عباس خامچی خود را به مجلس رساندند و طوماری که مردم همدان و کرمانشاه در حمایت از دکتر مصدق امضاء کرده بودند تحویل نمایندگان دادند.

اولین کسانی که با کفن پوشان در کاروانسرا سنگی ملاقات کردند، حسین مکی و نادعلی کریمی نماینده کرمانشاه بود. مکی در این خصوص می نویسد:

عصر روز یکشنبه ۲۹ تیر ماه به من خبر دادند که عده ای کفن پوشیده از کرمانشاه و همدان حرکت کرده و خود را تا کاروانسرا سنگی (کیلومتر ۱۸ تهران) رسانده بودند و در این حال برای مقابله با آنان چندین کامیون ژاندارم فرستاده اند و عده ای از آنان را مضروب و مجروح کرده اند و اکنون از تو استمداد می کنند. بلادرنگ به سوی کاروانسرا سنگی حرکت کردم، قریب یک کیلومتر به کاروانسرا سنگی مانده در کنار جاده و خارج آن، چند کامیون ژاندارم، چندین اتوبوس متعلق به کفن پوشان را محاصره نموده و عده ای از کفن پوشان خود را از اتوبوسها بیرون

همدان، از نهضت ملی تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲

انداخته و ژاندارمها با قنடاق تفنگ و سرنیزه به جان آنها افتاده بودند. به محض اینکه از اتومبیل پیاده شدم صدای ضجه و فریاد آنها به آسمان رفت. یک سرهنگ و سرگرد سرپرست ژاندارمها بودند، پرسیدیم: شما طبق دستور کی و چه مقامی اینها را مضروب و مجروح کرده و مانع از ادامه مسافرت آنها شده اید؟ فرمانده ارشد جواب داد: به حکم سرلشکر وثوق رئیس کل ژاندارمری، رفته رفته کار از مباحثه به مجادله کشید و با سرهنگ دست به گریبان شدم، خبر به کرج رسید، جمعیت از کرج با دوچرخه و اتومبیل سواری و باری مانند سیل به طرف کاروانسرا سنگی سرازیر شده به ژاندارمها دستور ذخیره گذاری داده شد و آنها آماده تیراندازی شدند و با ورود کفن پوشان به معرکه از بیم کشته شدن افراد، کوتاه آمده و به تهران بازگشتم.^{۳۹}

سپس قرار شد، نمایندگانی از طرف کفن پوشان به تهران بروند و با فرماندار نظامی ملاقات کنند. حاج غلامعلی عقیقی و رکن الدین حاجتی از جانب کفن پوشان کرمانشاه و سیدکاظم حسینی داور از سوی کفن پوشان همدان انتخاب و راهی تهران شدند.^{۴۰} آنان در مجلس شورای ملی با نمایندگان دیدار کردند و هدف از مسافرت به تهران را ادای دین نسبت به آیت الله کاشانی و حمایت از دکتر مصدق اعلام داشتند، از سوی دیگر حسین مکی نیز سایر کفن پوشان را به صحن بهارستان آورد.^{۴۱}

عبدالله حاجیلو مدیر روزنامه ندای میهن همدان که از جمله کفن پوشان بود، در این باره می گوید:

«در حالی که کفن پوشان توسط مأمورین در کاروانسرا سنگی محاصره شده بودند، آنان با روحیه مضمم و فریادهای اعتراض، مأمورین را سرگرم [کردند] و به صلاحدید سرکردگان خود، از ماشینها پیاده [شدند] و به طرف تهران به راه افتادند. وقتی مأمورین متوجه تفرقه آنان شدند و ماشینها آزاد شد مبارزان خود را به اتوبوسها رسانده و به طرف میدان بهارستان تهران حرکت کردند، جوانان غیور و سلحشور همدانی در حالی که کفن بر تن داشتند و توسط حسینی داور رهبری می شدند خود را به میدان بهارستان جلو مجلس شورای ملی رساندند و با فریادهای (یا مرگ یا مصدق) میدان بهارستان و خیابانهای اطراف را که به تدریج مملو از جمعیت شده بود به لرزه درآوردند.^{۴۲}

مردم همدان در مجلس هفدهم نماینده ای نداشتند و چون کفن پوشان همدان و کرمانشاه با یک کاروان و هماهنگ حرکت کرده بودند، زمانی که به میدان بهارستان وارد شدند، محمدرضا اقبال، نماینده کرمانشاه در مجلس، تدارک تغذیه و رفاه آنان را برعهده گرفت و کفن پوشان شب را در مجلس سپری کردند. صبح روز سی ام تیر، قیام مردم علیه دولت قوام شروع شد و کفن پوشان به مقابله با پلیس پرداختند. در نهایت آیت الله کاشانی اعلامیه ای علیه قوام صادر

نمود:

برادران عزیزم کوشش من و شما برادران مسلمان در قطع ریشه استعمار و برانداختن مظاهر و آثار استعمار، به عنایات پروردگار می رفت که نتیجه قطعی خود را بخشید و ایران را برای همیشه از شر اجانب رهایی بخشیده ولی سیاستی که قرون متمادی دولتهای مزدور را بر سر کار می آورد، سرانجام حکومت دکتر مصدق را که بزرگ ترین سد راه خیانت بود، برکنار و در صدد برآمد عنصری را که در دامان دیکتاتوری و استبداد پرورش یافته و تاریخ حیات سیاسی او پر از خیانت و ظلم و جور است و بارها امتحان خود را داده و دادگاه ملی حکم مرگ و قطع سیاسی او را صادر کرده است، برای چندمین بار بر مسند خدمتگزاران واقعی گمارد... احمد قوام باید بداند، در سرزمینی که مردم رنجیده آن پس از سالها رنج و تعب، شانه از زیر دیکتاتوری کشیده اند، نباید رسماً اختناق افکار و عقاید را اعلام و مردم را به اعدام دستجمعی تهدید نماید. من صریحاً می گویم که بر عموم برادران مسلمان لازم است که در راه این جهاد اکبر کمر همت محکم بربسته و برای آخرین مرتبه به صاحبان سیاست استعمار ثابت کنند که تلاش آنها در به دست آوردن قدرت و سیطره گذشته محال است و ملت مسلمان ایران، به هیچ یک از بیگانگان اجازه نخواهد داد که به دست مزدوران آزمایش شده، استقلال آنها پایمال و نام با عظمت و پرافتخاری را که ملت ایران در اثر مبارزه مقدس خود به دست آورده است، مبدل به سرشکستگی شود...»^{۴۳}

۱۰۶

صدور این اعلامیه و حضور گسترده مردم در تظاهرات و قیام آنان به طرفداری از دکتر مصدق، عصر همان روز نتیجه داد و دکتر مصدق دوباره به قدرت بازگشت.^{۴۴} از جمله کسانی که در کاروان کفن پوشان همدان حضور داشتند، می توان به سیدابوالحسن بنی صدر، حجت الاسلام غلامحسین بهرامی (ذوقی)، شیخ نصرالله،^{۴۵} محمدجواد صالحی، محمد کشوری، ابوالقاسم جنتی،^{۴۶} علی اصغر فخار و میرزا محمد فخار اشاره کرد. از دیگر مبارزین ملی همدان محمد ستاری و غلامرضا وزیری برای حفظ انتظام شهر در همدان مانده بودند.^{۴۷} پس از پیروزی مردم و انتخاب مجدد دکتر مصدق به نخست وزیری، نمایندگان مجلس در مورد برخورد با کفن پوشان همدان، از وزیر کشور، دکتر صدیقی، سؤال کردند، از جمله حاج سیدجواد، یکی از نمایندگان مجلس، پرسید به چه حقی با کفن پوشان کرمانشاه و همدان برخورد شده و به دنبال آن شمس قنات آبادی گفت: «اگر یکقدری هم می گذشت دستور می دادند آنها را به مسلسل بیندند.»^{۴۸} بدین ترتیب نمایندگان خواهان محاکمه عاملین حادثه شدند.

کفن پوشان همدان بعد از قیام سی تیر، در بازگشت به شهر خود با استقبال باشکوه مردم رو به رو شدند. روز چهارشنبه اول مرداد ۱۳۳۱ کاروان وارد همدان شد و حدود سی هزار نفر در بیرون شهر از آنان استقبال کردند و سران کاروان از جمله حسینی داور، محمود طهوری، مهدی



دیدار طرفداران جبهه ملی همدان با دکتر مصدق در تهران

بکتابی و... را روی دست بلند کردند. سپس به سوی شهر حرکت نمودند که در اواسط خیابان شورین از طرف اتحادیه رانندگان برای آنان قربانی کردند و جمعیت فریاد می زد «حسینی داور آمد- شیر دلاور آمد». در میدان پهلوی (امام کنونی) محمود طه‌پوری برای مردم سخن رانی کرد و سپس حسینی داور رشته کلام را به دست گرفت و ضمن تشکر از مردم اظهار داشت: «ملت ایران در این واقعه نه تنها به سردمداران رژیم، بلکه به جهانیان نشان داده، ثابت کردند که نهضت ملی مردم ایران واقعاً در اعماق قلوب عموم ملت ایران ریشه دوانیده ایران دوستی و آزادیخواهی تا عمق روح ملت ایران نفوذ کرده است.» وی مسمطی در رسای شهدای سی تیر سرود که با این بیت آغاز می شد.

از جور ارتش ملک جم، گردید چون بیت الحزن

چشم تو روشن ای وطن با این همه گلگون کفن^{۴۹}

از آن پس هیئتی مرکب از حسینی داور، عبدالله حاجیلو و ابوالحسن سالمی به نمایندگی از معتمدین، روحانیون و روزنامه‌نگاران وظیفه نمایندگی مردم همدان را بر عهده گرفت تا خواسته‌های مردم را به مصدق منتقل کند.^{۵۰}

بعد از اختلاف بین رهبران نهضت ملی، دکتر مصدق و آیت‌الله کاشانی، این تضاد در

شهرستانها نیز بروز کرد تا جایی که حسینی داور به انتقاد از آیت الله بنی صدر پرداخت و متقابلاً از رهبران نهضت ملی همدان انتقاداتی شد. از سوی دیگر شعبه مجمع مسلمانان مجاهد ۵۱ همدان به رهبری احمد عرب زاده که خود را پیرو آیت الله کاشانی می خواند به تهدید مقامات سیاسی و امنیتی و سران ملی همدان پرداخت.^{۵۲} در مرکز نیز روزنامه دمکرات اسلامی ارگان مجمع مسلمانان مجاهد به دولت حمله می کرد، در یکی از نامه های تهدیدآمیز مجمع به فرماندار همدان آمده بود:

طبق تصمیم مجمع مسلمانان مجاهد همدان به طوری که با بلندگو در تلگراف خانه ساعت ۹ صبح امروز به شما اخطار می شود تا ساعت ۹ صبح روز سه شنبه ۳۱ شهریور ۱۳۳۱ همدان را ترک نمایید در صورت خودداری و تسامح تصمیم مجمع به موقع اجرا گذارده خواهد شد.^{۵۳} در نامه دیگری که به سرهنگ سررشته، رئیس شهربانی همدان، فرستادند، تصریح شده بود: تصور نکن عملیاتی که تا حال کردی از نظر ما پوشیده است بدان و آگاه باش اگر کوچک ترین اقدامی علیه مجاهدین با شهادت یا شرافت بنمایی در روز روشن کشته خواهی شد. تو که منتقل شده ای چرا نمی روی می خواهی خانواده ات بی سرپرست به طهران برود، نامه ضمیمه را به فرماندار گردن کلفت برسان و بدان که اگر برخلاف این تصمیمات عمل کنی حسابت را خواهیم رسید.»^{۵۴}

به دنبال تهدیدات مذکور، احمد جهانسوز، فرماندار همدان در گزارشی به وزارت کشور نوشت:

به قرار اشاره و قرائتی که در دست می باشد این اقدامات از ناحیه عده معدودی که در جریان انتخابات می خواستند اینجانب را برخلاف نظر دولت به نفع خود از بی طرفی خارج نمایند و یا به علت انجام ندادن تقاضای غیرقانونی آنان با بعضی از رؤسای ادارات اختلافی پیدا کرده اند و در پی فرصت برای تسویه حساب خود بوده اند می باشد و رأی آنان آقای بنی صدر که سوابق مشارالیه در پرونده های انتخاباتی مرکز و فرمانداری راجع به اصرار در تعویض اینجانب موجود است و... همچنین عناصر وابسته به حزب توده که به نام هواداران صلح در تمام نقاط کشور تظاهرات و عملیاتی نموده و در این شهرستان بر اثر مراقبت کامل اینجانب و مأمورین انتظامی موفق به کوچک ترین عملیاتی نشده اند برای تسویه حسابهای خود و تحریک مردم فرصت به دست آورده مبادرت به این اقدامات کرده اند.^{۵۵}

بخشی از این مسائل با عزل جهانسوز از فرمانداری و سلب مسئولیت مجمع مسلمانان مجاهد از احمد عرب زاده فروکش کرد و جو آرام شد، اما درگیری بین حزب توده و طرفداران جبهه ملی و همچنین جدال لفظی جناح مذهبی و ملی ادامه داشت.

همدان، از نهضت ملی تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲

در روز ۲۲ خرداد ۱۳۳۲ بر اساس آگهی فرمانداری همدان، در تمام حوزه‌های نه‌گانه انتخابات انجمن شهر برگزار گردید. علی‌رغم تبلیغات روزنامه‌های محلی و اعلامیه حزب نیروی ملی مبنی بر شرکت مردم در انتخابات انجمن شهر، مردم استقبال چندانی از آن نکردند. چرا که عده‌ای انتخابات انجمن شهر را به عذر اینکه کمیسیون پنج نفره در تشخیص صلاحیت کاندیداها غرض ورزی نموده، تحریم کردند. جمعی دیگر به علت نداشتن شناسنامه عکس دار، از دادن رأی محروم و عده‌ای هم به عنوان اینکه این کاندیداها صلاحیت انتخاب شدن را ندارند در این امر مهم و حیاتی شرکت نکردند.^{۵۶}

در هر صورت عده‌ای به عنوان انجمن شهر انتخاب شدند. در جریان این انتخابات عده‌ای طرفدار جبهه ملی به روحانیون همدان حمله کردند و در روزنامه مبارزه همدان به آیت‌الله بنی‌صدر اهانت کردند و او را مخالف دولت دکتر مصدق خواندند. به همین خاطر روحانیون و جامعه وعاظ همدان از جمله غلامحسین متکلم، سید علی اصغر بطحائی، محمدجواد صالحی، حسین عندلیب‌زاده و سیدعلی مرتضوی طی تلگرافی به نخست‌وزیر و مجلس شورای ملی، خواستار تعقیب و مجازات عاملین این جریان شدند:

۱۰۹

بر اثر تحریکات عمال شرکت سابق نفت در این دو روزه نسبت به مقام مقدس روحانیت اهانت‌های ناروایی شده و می‌شود. با اینکه در تمام مراحل نهضت ملی دولت آن جناب از پشتیبانی روحانیون برخوردار بوده و متدینین ایران به اشاره پیشوایان مذهبی خصوصاً حضرت آیت‌الله کاشانی نهایت فداکاری را نمودند جای بسیار تأثر است که همان عمال مارکدار از وجهه ملی جنابعالی استفاده کرده انتقام خود را از عالم روحانیت می‌گیرند. ما جامعه وعاظ و مبلغین همدان انزجار و تنفر شدید خود را نسبت به جرایدی که مستقیماً عمال اینتلیجنس سرویس هستند ابراز و تعقیب شدید مرتکبین را فوراً خواهیم.^{۵۷}

از سوی دیگر فعالیت و تبلیغات حزب توده در قالب سازمانها و جمعیتها و گروههایی چون خانه صلح، انجمن کمک به دهقانان و هواداران صلح، در ایجاد ناامنی و اهانت به روحانیت پررنگ‌تر شده بود.^{۵۸} آنها حتی در فصل برداشت محصول نیز کشاورزان را به شورش و اغتشاش دعوت می‌کردند. با وجود تمام این اختلافات، مردم و گروههای مختلف، سالروز قیام سی تیر را با شکوهی خاص برگزار کردند، در این بزرگداشت، اهالی بن بازار، کوچه قصابان، گنبد علویان، سازمان جوانان بازار، اصناف، حسینیه‌ها، بنگاههای باربری، دانشجویان ملی همدان، جبهه اتحاد ملی دانش‌آموزان همدان و... با تشکیل کمیته تدارکات و برنامه‌ریزی منسجم، نقش به‌سزایی ایفا کردند.^{۵۹}

کودتای ۲۸ مرداد

به دنبال مخالفت نمایندگان مجلس شورای ملی با دکتر مصدق و مشکلات ناشی از آن، وی برای انحلال مجلس هفدهم در روز ۱۲ مرداد ۱۳۳۲ اعلام رفراندوم کرد. در این زمان برخوردهای شدیدی بین طرفداران جبهه ملی و حزب توده در همدان رخ داد و رفراندوم در روز دوشنبه ۱۹ مردادماه در همدان برگزار شد، از سوی دیگر چون در سراسر کشور مقرر بود که صندوق اخذ آراء موافقین و مخالفین را در دو محل جداگانه بگذارند، در همدان نیز صندوق مخالفین در مسجد شریف الملک و صندوق موافقین در میدان پهلوی (امام فعلی) گذاشته شد، این رفراندوم که همه دستجات، احزاب، جمعیتها و طبقات مردم در آن شرکت کرده بودند، سرانجام با ۱۸۰۵۷ رأی موافق و تنها ۲ رأی مخالف در همدان از تصویب مردم گذشت.^{۶۰} مرداد ۱۳۳۲ ماه اضداد بود، از طرفی در ابتدا دکتر مصدق با چنین پیروزی عظیمی در مراجعه به آراء عمومی مواجه شده بود و از سوی دیگر در اواخر آن وی بر اثر کودتا برای همیشه از صحنه سیاسی ایران خارج گردید.

این کودتا که زمینه هایش از مدت‌ها پیش چیده شده بود و افسران عالی رتبه ارتش که در باشگاه افسران تهران گردهم آمده و مخفیانه «کمیته نجات وطن» تشکیل داده بودند، به عنوان عاملان اجرای آن در نظر گرفته شده بودند.^{۶۱}

در ۲۵ مردادماه، سرهنگ نصیری (فرمانده گارد شاهنشاهی) با فرمان شاه به منزل مصدق مراجعه کرد. این فرمان چند روز پیش از آن صادر و طی آن مصدق از نخست‌وزیری عزل و زاهدی به جای وی منصوب شده بود. شاه نیز خود برای فرار از مهلکه، به بهانه استراحت و معالجه به شمال رفته بود.

این برنامه از قبل لو رفته بود و با دستگیری نصیری و خلع سلاح گارد شاهنشاهی و فرار شاه به بغداد و سپس رم، تکمیل شد. با پخش این خبر در همدان، اعلامیه‌ای از طرف دستجات مختلف و اصناف مبنی بر دعوت از مردم برای تجمع در ساعت ۵ بعد از ظهر ۲۵ مرداد در شهر منتشر شد. جمعیت انبوهی در میدان پهلوی (امام کنونی) اجتماع کردند و آقایان مهندس ابراهیمی، غلامرضا وزیری، سیدکاظم حسینی داور، علی پوینده و علی درویش در سخنانی به پشتیبانی از دولت ملی و ابراز انزجار از خائنین و عاملین کودتا برآمدند، سپس جمعیت با حضور در تلگراف خانه، تلگرافهایی به مرکز مخابره کردند.^{۶۲} در روز ۲۶ مرداد جمعیتی از افراد حزب ایران و سازمان جوانان بازار و عده کثیری از اهالی شهر همدان در میدان پهلوی، که مجسمه محمدرضا شاه در آنجا نصب بود، اجتماع نمودند^{۶۳} و حسینی داور با سرودن اشعاری، مردم را به وجد و هیجان آورد و آنها یک صدا فریاد

می زدند:

گر سینه به نیزه‌ها شود چاک هرگز ندهیم به دشمن مшти خاک^{۶۴}
در این هنگام مردم با مشارکت افراد حزب ایران و از جمله غلامرضا وزیری به وسیله یک دستگاه ماشین، مجسمه را پایین کشیده و به جای آن پرچم ایران را نصب کردند^{۶۵} و بدین ترتیب حمایت خود را از دولت مصدق اعلام کردند.

در فاصله ۲۵ تا ۲۸ مردادماه اوضاع نسبتاً به کام مردم بود، تا اینکه در ۲۸ مرداد مرحله دوم کودتا به وسیله سرویسهای جاسوسی امریکا و انگلیس به اجرا درآمد و مردم را بهت زده کرد. به محض رسیدن خبر به همدان، با آنکه نخست وزیر کودتا، فضل‌الله زاهدی، همشهری آنان بود، کلیه طبقات مردم در حمایت از مصدق در میدان بزرگ شهر گردآمده و عده‌ای از اعضای حزب ایران نیز مردم را تشویق و ترغیب به حمایت از دولت مصدق می‌کردند که در این زمان عده‌ای از سلطنت‌طلبان به رهبری علی محمدی معروف به علی وکیل، که خود را شاگرد شعبان بی‌مخ (جعفری) می‌دانست از خیابان بوعلی به سمت میدان پهلوی حرکت کردند و در حمایت از شاه و دولت کودتا شعار می‌دادند که در نتیجه منجر به درگیری شد. مأمورین شهربانی نیز درصدد متفرق کردن مردم برآمدند و به سوی آنان تیراندازی کردند که متقابلاً به سوی مأمورین نیز تیراندازی شد، شهربانی چون اوضاع را بحرانی دید از ژاندارمری و پادگان همدان کمک گرفت. این درگیری از ساعت ۶ بعداز ظهر تا ۱۰ شب به طول انجامید که در نتیجه رئیس شهربانی و چهار تن از پاسبانها و عده‌ای از مردم مجروح شدند و یک نفر از مردم نیز در اثر جراحات وارده درگذشت.^{۶۶} منابع دیگر تعداد مجروحین از میان مردم را پنجاه نفر و کشته شدگان را چهار نفر ذکر کرده‌اند.^{۶۷} عصر همان روز در حالی که شهر به شدت آشفته بود، منازل برخی از معاریف شهر از جمله آیت‌الله بنی‌صدر توسط عده‌ای ناشناس و فرصت طلب بنا به قولی به تحریک حزب توده، مورد دستبرد و غارت قرار گرفت. در روز ۲۹ مرداد ماه مردم که از کودتا دچار بهت و حیرت شده بودند برای کسب تکلیف در منزل آیت‌الله بنی‌صدر اجتماع کردند.

در همین ایام از طرف فرمانداری همدان حکومت نظامی اعلام شد و با صدور اعلامیه شدیدالحنی، مردم را به رعایت نظم و امنیت دعوت کرد و با اعلام اسامی سران نهضت ملی در همدان، از آنان خواست که خود را تسلیم مأمورین دولت نمایند و برای دستگیری بعضی از آنان جوایزی تعیین نمود^{۶۸} که در این راستا غلامرضا وزیری، حسینی داور، علی پوینده، اسدالله فرشچی، عباس حضرتی، حسین پزشکی و... دستگیر و زندانی شدند. بدین ترتیب یک بار دیگر حرکت استقلال خواهانه مردم و قیام آنان علیه استبداد داخلی و استعمار

خارجی به خاک و خون کشیده شد و فریاد آزادیخواهی مردم، ملیون و روحانیون موقتاً سرکوب گردید.

پانوشتها:

- ۱- اسامی متحصنین بدین شرح است: عبدالقدیر آزاد، شمس الدین امیرعلایی، دکتر مظفر بقایی، سیدابوالحسن حائری زاده، ارسلان خلعتبری، عباس خلیلی، مهندس احمدزیرک زاده، دکتر کریم سنجایی، دکتر سیدعلی شایگان شیرازی، حسن صدر، ابوالحسن عمیدی نوری، دکتر سیدحسین فاطمی، آیت الله سیدجعفر غروری، دکتر رضا کاویان، یوسف مشار، سیدحسین مکی، احمد مکی، دکتر سیدمحمد رضا جلالی نائینی، سیدمحمود نریمان، دکتر محمد مصدق.
- ۲- زعیم، کورش، جبهه ملی ایران- از پیدایش تا کودتای ۲۸ مرداد، تهران، ایران مهر، چ دوم، ۱۳۷۹، ص ۱۳۳.
- ۳- خاطرات شمس قنات آبادی - سیری در نهضت ملی شدن نفت، کتاب اول، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۷۷، ص ۲۱۷.
- ۴- جبهه ملی ایران...، ص ۱۲۰.
- ۵- یادداشت‌های منتشر نشده دکتر سیدحسین فاطمی، فصل نامه مطالعات تاریخ معاصر، س ۱، ش اول، ۱۳۸۲، ص ۹۷.
- ۶- آبراهامیان، یرواند، ایران بین دو انقلاب، ترجمه کاظم فیروزمند، حسن شمس آوری و محسن مدیر شانه چی، تهران، نشر مرکز، ۱۳۸۷ ش، ص ۲۳۹.
- ۷- سازمان اسناد ملی ایران، آرشیو، سند شماره $\frac{۲۹۰}{۱۱/۵۳/۳}$.
- ۸- همان، سند شماره $\frac{۲۹۰}{۱۱/۵۵/۷}$ و $\frac{۲۹۰}{۱۱/۵۳/۱}$.
- ۹- همان، سند شماره $\frac{۲۹۰}{۸/۵۸۵/۲}$.
- ۱۰- همان، سند شماره $\frac{۲۹۰}{۱۱/۵۳/۵}$.
- ۱۱- همان، اسناد شماره $\frac{۲۹۰}{۸/۱۲۲/۱}$ و $\frac{۲۹۰}{۸/۱۲۶/۱}$.
- ۱۲- همان، اسناد شماره $\frac{۲۹۰}{۸/۱۷۴/۷۵}$ و $\frac{۲۹۰}{۸/۱۷۴/۵۴}$ و $\frac{۲۹۰}{۸/۱۷۴/۵۵}$.
- ۱۳- روزنامه مبارز همدان، س ۱، ش ۸، ۲۳ دیماه ۱۳۳۰، ص ۲.
- ۱۴- سیدنصرالله موسوی بنی صدر فرزند سیدصالح در ۱۲۷۴ ق در همدان به دنیا آمد. وی علوم دینی را نزد پدرش صدرالعلماء همدانی فراگرفت و سپس مقدمات و سطوح دروس حوزه را در همدان و تهران آموخت، آن گاه برای تکمیل تحصیلات خود عازم نجف اشرف شد و از محضر آیات عظام آقامیرزا حسین نائینی و آقا ضیاءالدین عراقی و دیگران بهره برد. سپس به همدان بازگشت و مصدر امور دینی، سیاسی و اجتماعی مردم شد و در بسیاری از حوادث کشور و منطقه ایفای نقش نمود. او در ۱۳۴۷ در ۷۴ سالگی، در حالی که برای معالجه چشم به فرانسه رفته بود، در پاریس فوت شد. پیکر او را برای تدفین به نجف اشرف منتقل کردند. (ر. ک: مؤمن، ابوالفتح، نگاهی به زندگی سیاسی آیت الله نصرالله موسوی بنی صدر همدانی، هفته نامه پیک همدان، س ۴، ش ۱۲۵، ۲۹ بهمن ماه ۱۳۸۲، ص ۶).

همدان، از نهضت ملی تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲

۱۵- شیخ علی شمس حائری از روحانیون فعال در امور سیاسی - مذهبی همدان در دهه های ۲۰ و ۱۳۳۰ بود، وی مؤسس شعبه جامعه تعلیمات اسلامی در همدان (۱۳۲۶ ش) می باشد که پس از چند سال فعالیت در مدرسه علمی اسلامی در دهه سی، راهی تهران شد و در آنجا اقامت گزید.

۱۶- روزنامه فریاد همدان، س ۱، ش ۹، (۳ بهمن ماه ۱۳۳۰)، صص ۴ و ۱.

۱۷- شیخ عباسعلی اسلامی قرائتی در ۱۳۲۱ ق در سبزوار متولد شد. پیش از تولد او، پدر و مادرش از هم جدا شدند. لذا دوران کودکی را تحت کفالت دائی اش محمد بختیاری سپری نمود. او در پنج سالگی به مکتب رفت و چون حافظه قوی داشت پس از یک سال قرآن را به خوبی فراگرفت. وی تحصیلات علوم دینی را در سبزوار و مشهد و نجف فراگرفت و سپس مسافرت های تبلیغی و فرهنگی بسیاری به کشورهای عراق، برمه، هندوستان، کویت و... نمود و در ۱۳۲۲ ش به یاری حاج ایروانی، حاج میرزا احمد نادر و عباسعلی بازرگان، جامعه تعلیمات اسلامی را به منظور تربیت اسلامی نوجوانان و جوانان تأسیس کرد. وی پس از عمری فعالیت فرهنگی - سیاسی در ۱۳۶۴ ش در تهران درگذشت. (ر.ک: مؤمن، ابوالفتح، فرهنگ ناموران معاصر ایران، مدخل اسلامی، شیخ عباسعلی.)

۱۸- روزنامه فریاد همدان، س ۱، ش ۹، (۳ بهمن ۱۳۳۰)، صص ۴ و ۱.

۱۹- آیت الله بنی صدر مایل بود که نمایندگان همدان تحت نفوذ وی باشند، چرا که وی از یک طرف جزو علمای طراز اول شهر و منطقه بود و از سوی دیگر از ملاکین عمده منطقه محسوب می شد، که روند نهضت می توانست املاک وی را به خطر اندازد. به همین دلیل سعی داشت تا از نفوذ معنوی خود در راستای موقعیت سیاسی و اقتصادی اش بهره ببرد.

۲۰- روزنامه مبارز همدان، س ۱، ش ۱۰، (۱۰ بهمن ماه ۱۳۳۰)، صص ۴-۱.

۲۱- همان، ص ۴.

۲۲- روزنامه فریاد همدان، س ۱، ش ۱۰، (۱۰ بهمن ماه ۱۳۳۰)، صص ۶-۱.

۲۳- سازمان اسناد ملی ایران، آرشیو، سند شماره ۲۹۰، ۱۱/۴۴/۲.

۲۴- مجموعه ای از مکتوبات و پیام های آیت الله کاشانی، جلد پنجم، به کوشش محمد دهنوی، تهران، چاپخش، ۱۳۶۳، صص ۱۵۸-۱۶۰.

۲۵- روزنامه فریاد همدان، س ۱، ش ۱۵، (۲۲ اسفندماه ۱۳۳۰)، ص ۲.

۲۶- کاتوزیان، محمدعلی (همایون)، اقتصاد سیاسی ایران از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی، ترجمه محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی، تهران، نشر مرکز، ۱۳۷۲، ص ۲۱۹.

۲۷- موحد، محمدعلی، خواب آشفته؛ دکتر مصدق و نهضت ملی ایران، جلد اول، تهران، نشر کارنامه، ۱۳۷۸ ش، صص ۴۰۹ و ۴۰۴.

۲۸- مؤسسه مطالعات تاریخ ایران، آرشیو، سند شماره ۲۹-۳۱۶-۵.

۲۹- روزنامه مبارز همدان، س ۱، ش ۱۷، (۱۷ تیرماه ۱۳۳۱)، ص ۴.

۳۰- روزنامه ندای میهن، س ۲، ش ۲۲، (۲۹ تیرماه ۱۳۳۱)، ص ۱.

۳۱- خاطرات منتشر نشده حجت الاسلام فخرالدین راحمی.

۳۲- خاطرات منتشر نشده حسن مشتاق.

۳۳- خاطرات منتشر نشده حاج جواد نوریان.

۳۴- روزنامه مبارز همدان، س ۱، ش ۳۳، (۳۱ تیرماه ۱۳۳۱)، ص ۲.

فصلنامه مطالعات تاریخی

- ۳۵- سلطانی، محمدعلی، جغرافیای تاریخی و تاریخ مفصل کرمانشاه، جلد چهارم، تهران، مؤلف ۱۳۷۲، ۹۳۱.
- ۳۶- روزنامه مبارز همدان، س ۱، ش ۳۴، (۷ مرداد ۱۳۳۱)، ص ۴.
- ۳۷- مکی، حسین، وقایع سی ام تیر ۱۳۳۱، تهران، ایران، چاپ دوم، ۱۳۶۶، ص ۲۵۲.
- ۳۸- جغرافیای تاریخی و...، ص ۹۳۱.
- ۳۹- مکی، حسین، کتاب سیاه «سالهای نهضت ملی»، جلد پنجم، تهران، علمی، ۱۳۷۰، صص ۲۸۸-۲۸۵.
- ۴۰- جغرافیای تاریخی و...، محمدعلی، ص ۹۳۱.
- ۴۱- همان، ص ۹۳۲.
- ۴۲- حسینی داور، کاظم، دیوان شاعر ملی داور همدانی، به کوشش عباس زندی، همدان، چاپخانه میهن همدان، ۱۳۷۳، ص ۵۹۵.
- ۴۳- روحانی مبارز آیت الله سیدابوالقاسم کاشانی به روایت اسناد، جلد اول، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۷۹، ص ۱۱۴.
- ۴۴- جغرافیای تاریخی و...، همان، ص ۹۳۲.
- ۴۵- خاطرات منتشر نشده حجت الاسلام غلامحسین بهرامی.
- ۴۶- خاطرات منتشر نشده سیدمحمد حسینی.
- ۴۷- خاطرات منتشر نشده نورعلی آرتیمانی.
- ۴۸- وقایع سی ام تیر ۱۳۳۱، ص ۳۳۷.
- ۴۹- دیوان شاعر ملی داور همدانی، ص ۵۹۶.
- ۵۰- روزنامه مبارز همدان، س ۱، ش ۳۴، ۷ مرداد ۱۳۳۱، ص ۴.
- ۵۱- روزنامه دمکرات اسلامی، س ۱، ش ۸، (۳۰ دیماه ۱۳۳۱)، صص ۴ و ۱.
- ۵۲- اگرچه مجمع مسلمانون مجاهد را شمس قنات آبادی رهبری می کرد ولی با توجه به ارتباطات وی با آیت الله کاشانی می توان گفت دست کم در اوایل کار به نحوی با او مرتبط بوده از وی مشورت و راهنمایی می گرفتند. از طرف دیگر هر چند که احمد عرب زاده مدعی پیروی از آیت الله کاشانی بود، ولی بعد از این جریانات، (نامه های تهدیدآمیز)، از رهبری شعبه همدان کنار گذاشته شد.
- ۵۳- مرکز اسناد ریاست جمهوری، بایگانی اسناد نخست وزیری، پرونده شماره ۴۷۵۸۶.
- ۵۴- همانجا.
- ۵۵- همان، پرونده شماره ۴۷۵۸۵.
- ۵۶- روزنامه فریاد همدان، س ۲، ش ۲، (۲۸ خرداد ۱۳۳۲)، ص ۱.
- ۵۷- سازمان اسناد ملی ایران، آرشیو، سند شماره $\frac{290}{4/512/1}$.
- ۵۸- همان، سند شماره $\frac{290}{10/145/1}$ و $\frac{290}{1/145/1}$.
- ۵۹- همان، سند شماره $\frac{290}{10/145/1}$ و $\frac{290}{1/145/1}$.
- ۶۰- روزنامه فریاد همدان، س ۲، ش ۲۸، ۲۲ مرداد ۱۳۳۲، ص ۱.
- ۶۱- ایران بین دو انقلاب، ص ۲۵۰.
- ۶۲- سازمان اسناد ملی ایران، آرشیو، سند شماره $\frac{290}{1/134/3}$.

همدان، از نهضت ملی تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲

۶۳- همان، سند شماره $\frac{۲۹۰}{۱۱/۴۷/۱}$.

۶۴- خاطرات منتشر نشده حسن رستمی.

۶۵- خاطرات منتشر نشده نورعلی آرتیمانی.

۶۶- سازمان اسناد ملی ایران، آرشیو، سند شماره $\frac{۲۹۰}{۱۱/۴۷/۱}$.

۶۷- همان، سند شماره $\frac{۲۹۰}{۱۱/۳۵/۱}$.

۶۸- روزنامه مبارز همدان، س ۲، شم ۲۹ (۲۹ مرداد ۱۳۳۲)، ص ۴.



اعلامیه

بپیروی از منویات حضرت آیت الله
 کاشانی به مناسبت بسته شدن لانه های
 جاسوسی ((گتسو لگر یهای انگلیس))
 و به منظور پشتیبانی از دولت ملی جناب
 آقای دکتر مصدق روز سه شنبه (۱۵ اردیبهشت)
 اول بهمن ماه در سراسر کشور تعطیل
 عمومی برپا و جشنهای مفصلی بر گزار
 میگردد لذا از عموم همشهریهای
 محترم دعوت میشود که در این جشن
 تاریخی و تعطیل عمومی شرکت نمایند
 سازمان جوانان بازار همدان

۱۱۶

چاپخانه ناطق همدان

سازمان اسناد و کتابخانه ملی

فوق‌العاده روزنامه ندای میهن

تذکره ای از حضرت آیت‌الله کاشانی

تذکره اول - از تهران بتاريخ ۲۹-۳۰-۱۳۰۶ شماره ۱۱۶

وسيله حضرت فقه الاسلام آقای حاج شیخ علی شمس حائری

آقایان اهالی محترم در پاسخ تلگرافی:

فقه الاسلام آقای اسلامی خطیب شهیر برای ارشاد و راهنمایی اهالی روز سه‌شنبه اول بهمن ماهم همدان عواید شده. موقیت آقایان را در انجام وظایف ملی از خداوند شتاق خواستارم

سید ابوالقاسم کاشانی

ندای میهن: طبق بیامی که حضرت آیت‌الله کاشانی خطاب بسوم ایرانیان از رادبو تهران ایراد فرمودند روز سه‌شنبه اول بهمن را به نسبت بستن مراکز جاسوسی انگلیسیا بشی کنسولگری های کشور بریتانیا روز چین ملی و تعطیل عمومی اعلام فرمودند اتفاقا اینروز مصادف با تشریف فرمائی حضرت آقای اسلامی بهمدان می باشد جناب آقای اسلامی صبر و وزه شنبه اول بهمن از جاده تهران همدان وارد خرامند شد و مصادف تشریف فرمائی منظم که با تعطیل عمومی وسیله عواید شد که هشتبریان ما بتوانند تجلیل بیشتری از این شخصیت با عظمت روحانی بیسل بیاورند و در نتیجه از این حیث نیز گوی سبقت را از سایر شهرستانها خواهند ربود

تذکره دوم - از تهران بتاريخ ۲۹-۳۰-۱۳۰۶ شماره ۱۱۶

حضرت حجت الاسلام آقای بنی‌سهر رونوشت جناب آقای حاج شیخ علی شمس حائری

لازم است بمنظور استفاده از حق مسلم انتخابات آزاد که در سایه مجاهدانه و فداکاریها بدست آمده آقایان علماء و اهالی را در جلساتی مجتمع و با کمال بیطرفی کسانی را که حائز شرایط لازمه نمایندگی و مورد علاقه متدینین باشند در نظر گرفته و مساعی خود را در این مورد بکار برید. اینجناب مطلقا نظر خاصی بقرد معین نداشته ولی کمال علاقه را دارم افرادی که علاقمند بآسول دیانت و استقلال کشور باشند بمجلس روند زیسرا در مجلس هیندم سرنوشت قطعی کشور باید تعیین شود و بمنظور کمک فکری و ارشاد اهالی

فقه الاسلام آقای اسلامی واعظ شهیر جازم همدان خواهند شد سید ابوالقاسم کاشانی

ندای میهن: بسیار خوشوقتیم که اعتراض اهالی محترم اینشهرستان نسبت جریانات اخیر در مرکز منکس و آرزوی کلیه آزادیخواهان این شهرستان ملی گردید و بر حسب دستور و توصیه حضرت آیت‌الله کاشانی امدی حق تعالی عقیده خود را بر اهالی نداشتند و از این به بعد تبلیغات انتصابانی دومعیض و مجامعی صورت خواهد گرفت که ماوی از هرگونه وسه بندی پشت پرده و غیر قانونی شواهد بود و کلیه طبقات آراءات حق اظهار رای و تبادل افکار در تعیین کاندیدای مورد علاقه خواهند داشت بنا بر این انتظار میرود که هشتبریان محترم عموما و جوانان و فرهنگیان این شهرستان خصوصاً و حضرات حجج اسلام و علماء ائیم و روحانیون گرام بالانص از این موقیت حسن استفاده نموده با علاقه کامل در مجامعی که تشکیل میشود حرکت و در تعیین کاندیدای خود در نتیجه در سرنوشت آجاده کشور دخالت مستقیم و مؤثر بشایند.

بیانیه

سازمان جوانان بازار همدان

هموطنان محترم

همه زرد و الم شام و بحر تاله کسان
و بی عجب هیچکس اندر بی درغالی نیست

پاک بران اقتصادی جدیدی که در راه دگر گزینی نطفه آن از منتهای پیش پست شده دولت و ملت ما را تحت فشار قرار داده و با از آید میوه دیار تگرانی کرده است دولت ملی و سرود اقتصاد کثرتی در حالتیکه در صفت به پخته با استوار تر از گریته با تمام قوا میگویند پیشه سالی که گرفتار آن است پایان بخشد ملت غیور و دغدغه کار هم در حالتیکه پشت سر دولت ملی خود دوره باز زده با استوار قدم قدم بروفته است سستی میکند تا آنجا که دولت ما در وضع بحران مالی بولت کشک کشک و در این مقصود است که وقتی دوران ترش منی اشتراکس پایه متصرف پیشه زوان، زار حین، کارگران، اصحاب صنعتگران، آذاری، بازار کار، ندرت شایسته، با پاجر گند جیش در آید با اینکه در کفستی بسر میرند نمائندگان باخریه دوران ترش منی متبانی نفا کاری و مسپن برش خوش را بیوت میرسانند ملل زنده حتی مللی که با پایداری و شایسته خود فعالیتند همیشه در مواضع نظیر و چهرانی بنا ایجاد می کنند و بلبل مالو جیلان موجودیت خود را در مقابل حوادث و جریانات نامطلوب بزرگ گو محافظت کرده اند در چنگت بین اللال اولی آن ملت متلاشی شده و مطلوب وقتی ایوب سعادترا بر روی خود مسود و دتیار اندر نظر خویش تیر و تار دیده بیکانه ملجا و به تمام عمل امینی که سراغ داشت حتی ملت تیور و خوش دست استناد نداد از گرد هسان ملت زنده از بزرگ و کوچک زون مرد بخصوس زمان غدا کار آن ملت آن فروسلمه های انکشتی ملل زده و وطن خود تار نودند که ذکر آنهم تمام کاری می بود و بر اندامش نودند گان راست میکند هم اکنون مردم بدید می که بخوانند آزاد زنده گی کنند آستان سبب متشکل و واحدی از نیروهای ملت بوجود آورده اند که حتی زانین دلا و روشنا کار آنها نمک نمک پیش در صنف مقدم جبهه قرار گرفته بیجا بیان در صلیت و وطن پرستی خویش میکنند در یک اجتماع مترقی و در یک جامعه ای که بخود حق زندگی میبخشد باید تمام افراد بنیاد استقامت و تدوین آن در راه پیشرفت سعادت اجتماع تشریح مساعی و فعالیت کنند همین در مواقع خطیر و بحرانی باید تمام جمیع دلی در راه تربیت اجتماع در دفاع از هر کوه خطری بسیج شود و دیگر آن بود که کاروانی که سر نوشت ملت را همیشه در دست خود داشته سیر شده است دیگر آن ایامی که اکثرت ملت در مسکن از و اندر مس گوشه گیری میباشند به پشت سر گذشته شده است امروز دوران حکومت مردم بر مردم است این فری که در مبارزه اجتماعی خود را گنای میکند بخود و ملت و مسکنت شربت میزند آن تاجری که با وارد کردن اجناس لوکس از مسکنترا در بسته مسجود میسیر میباید به پیوستن خود خندان میکند آن سرمایه داری که از خرید و فروش خود در این میسکنند بر روی ملت دولت ششیر کینه است در جاسانه از هر فرقه ای کاری که بر آید مومض است انجام دهد از یک نظر سرباز آن ساخته است که همسگر از خانه و من دروغ کند از نیت به مجلس آن ساخته است که از دولت خوب و مورد اعتماد تهریت در پشتیبانی نباید از استناد و افراده است آن ساخته است که با مفاقت و ستیز و یکانه ای خود خنده های شیطانیکه نگان استوار گرواش بر آب کند از سرمایه دار هم آن ساخته است که در این ایام تنگدستی از کینه بر صورت خود خواهد بود و در این مبارزه اینکه ملت ایران علیه متجاوزین دستگیر این یکانه آغاز کرده بسیاری از نیروهای ملی بسیج شده و محال موقع آنست که هموطنان از هر طبقه و صنف ملی انحصوسی فر و نشانی در سرمایه داری با نظریه ستیزه باور این قلم در عمل خود را با آن کنند انجام این وظیفه ملی و روحیاتی کشور را بسوی سعادت و نصیبت و جبری خواهد گرفتند بکس قصور در این سر سپاری ممکن است تیر از دامور را از هر یکسکه و آتوقه است که اغلاصی عظیم گشتی معصیه دیده مسکنند از امواج شمشکی خود در هم شتابند شکست و آتوقه است که همه باید و در هر ای آذاری و استلال و سعادت از دست گرفته خود بخون گریه کنند

۱۱۸

سازمان جوانان بازار همدان

جای پنهان نامش همدان

